

دولت اسلامی و بایسته‌های سبک زندگی

از منظر آیه‌الله خامنه‌ای دام‌ظله

دریافت: ۱۴۰۳/۸/۱۹ تأیید: ۱۴۰۴/۲/۲۰ قنبرعلی صمدی*
و عزالدین رضانزاد**

چکیده

یکی از وظایف مهم دولت اسلامی، احیای ارزش‌های دینی در جامعه است. این امر مستلزم توجه ویژه دولت اسلامی به مسأله سبک زندگی و نهادینه‌سازی ارزش‌ها، هنجارها و الگوهای رفتاری مطلوب در جامعه است. امروزه پرداختن به مسأله سبک زندگی و شیوه‌های رفتار فردی و اجتماعی، بدین جهت اهمیت مضاعف پیدا کرده است که تحولات عصر جدید، سبک‌های گوناگونی را فراروی انسان معاصر قرار داده و این گوناگونی الگوها، سبب شده است تا گزینش سبک مطلوب در زندگی روزمره دشوار گردد. در بیانات حضرت آیه‌الله خامنه‌ای (مد ظله)، سبک زندگی دینی به عنوان مهم‌ترین شاخص هویت فرهنگی و تمدنی جامعه اسلامی و مایه صلاح و فلاح آنان ذکر شده و بر لزوم اهتمام دولت اسلامی نسبت به این موضوع مهم تأکید شده است. نوشتار حاضر، با روش توصیفی - تحلیلی، از طریق استکشاف در اسناد مکتوب (اعم از نوشتاری و گفتاری) امام خامنه‌ای (مد ظله)، رسالت دولت اسلامی در ترویج سبک زندگی اسلامی و الزامات آن را مورد بررسی قرار داده است. بر اساس یافته‌های تحقیق، نقش آفرینی دولت اسلامی در اصلاح نگرش‌های عمومی و هنجارهای اجتماعی، توجه به اصالت فرهنگی و تمدنی جامعه اسلامی، مقابله با الگوها و نمادهای فرهنگ مادی غرب، منش اسلامی حاکمان و کارگزاران حکومت و... از مهم‌ترین الزامات دولت در نهادینه‌سازی سبک زندگی اسلامی به شمار می‌رود.

واژگان کلیدی

سبک زندگی، دولت اسلامی، سبک زندگی اسلامی، دیدگاه‌های آیه‌الله خامنه‌ای

* دانش‌آموخته حوزه علمیه و استاد همکار پژوهشگاه بین‌المللی المصطفی (نویسنده مسؤول):

Samadi313@gmail.com

** دانش‌آموخته حوزه علمیه و استاد جامعه المصطفی العالمیه ع: rezanejad39@yahoo.com

مقدمه

یکی از موضوعات مهم مورد توجه در مطالعات علوم اجتماعی، مسأله سبک‌شناسی و سبک زندگی است؛ زیرا سبک رفتار و فرهنگ مرسوم در یک جامعه، بیانگر شیوه نظام فکری حاکم در آن جامعه است. از این رو، یک نظام سیاسی و تمدنی برای تأثیرگذاری بیش‌تر در یک جامعه، سعی می‌کند الگوها و ارزش‌های مد نظر خود را در معرض‌گزینش اجتماعی قرار دهد تا از این طریق سبک زندگی خاصی را در آن جامعه نهادینه سازد، آنگاه نتیجه فehری رواج تدریجی سبک زندگی مبتنی بر ارزش‌های تمدنی یک نظام خاص، پذیرش هنجارها و قواعد اجتماعی و سیاسی آن نیز خواهد بود.

در دنیای کنونی، سبک‌های زندگی، نمودی از انتخاب و هویت افراد و بیانگر جایگاه اجتماعی آنان بوده و به نوعی فرایند ارتباطات حاصل از پیوندهای اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی آنان را آشکار می‌سازد. امروزه ضرورت توجه به مسأله سبک زندگی و لزوم دقت در شناخت سبک مطلوب، بدین جهت اهمیت مضاعف پیدا کرده است که تحولات عصر جدید، حیطه‌ها و قدرت انتخاب در شیوه زندگی را گسترش داده و سبک‌های گوناگونی را فراروی افراد جامعه قرار داده است، این گوناگونی و تعدد الگوها، سبب شده است تا گزینش سبک مطلوب در انتخاب‌های روزمره تا حد زیادی دشوار گردد.

به همین جهت، در بیانات حضرت آیه‌الله خامنه‌ای (مدظله)، مسأله سبک زندگی به دلیل تأثیرات عمیق فرهنگی آن، مورد توجه قرار گرفته و بر نقش محوری دین و معنویت در ارائه سبک زندگی مطلوب، تأکید شده است. ایشان سبک زندگی همراه با معنویت را مایه صلاح و فلاح جامعه اسلامی دانسته می‌فرماید:

یکی از ابعاد پیشرفت با مفهوم اسلامی عبارت است از سبک زندگی کردن، رفتار اجتماعی، شیوه زیستن، اینها عبارة اخرای یکدیگر است... ما اگر از منظر معنویت نگاه کنیم که هدف انسان، رستگاری و فلاح و نجات است، باید به سبک زندگی اهمیت دهیم؛ اگر به معنویت و رستگاری معنوی اعتقادی هم نداشته باشیم، برای زندگی راحت، زندگی برخوردار از امنیت

روانی و اخلاقی، باز پرداختن به سبک زندگی مهم است (خامنه‌ای)،
۱۳۹۱/۷/۲۳).

بنابراین، سبک زندگی مطلوب، صرفاً به معنای زندگی راحت و برخوردار از مواهب مادی نیست، بلکه آنچه پایه و اساس زندگی مطلوب انسانی است، توجه به جنبه‌های معنوی، اخلاقی و عناصر هویت‌ساز در زندگی است. بدون شک، از آن‌جا که مأموریت ذاتی دولت اسلامی اصلاح امور جامعه و مردم است، پرداختن به سبک زندگی از وظایف مهم او به شمار می‌رود. علاوه بر آن، دولت اسلامی به دلیل رسالت دینی و نیز برخورداری از امکانات و ابزارهای فرهنگی، تبلیغاتی و اجرایی، می‌تواند نقش مؤثری در نهادینه‌سازی سبک زندگی اسلامی ایفا نماید. این نوشتار، ضمن تبیین رابطه دولت اسلامی با سبک زندگی، برخی از مهم‌ترین بایسته‌های نقش‌آفرینی دولت اسلامی در این عرصه را از سخنان مقام معظم رهبری (مدظله)، استخراج و تبیین کرده است.

پیشینه بحث

در باره موضوع سبک زندگی و بررسی این بحث از منظر امام خامنه‌ای، تاکنون پژوهش‌های متعددی در قالب کتاب و مقاله، انجام گرفته است که به برخی موارد اشاره می‌شود:

۱. «سبک زندگی اسلامی از دیدگاه مقام معظم رهبری»؛ تألیف مجتبی نوروزی. در این کتاب، نویسنده ضمن طرح الگوی پیشرفت اسلامی - ایرانی از دیدگاه مقام معظم رهبری، مؤلفه‌های سبک زندگی اسلامی از دیدگاه مقام معظم رهبری را مورد بحث و کنکاش قرار داده و مهم‌ترین بخش اصلی و حقیقی تمدن اسلامی را مبتنی بر سبک زندگی اسلامی بیان کرده و آن را ضامن سعادت دنیا و آخرت جامعه اسلامی بر شمرده است.

۲. «سبک زندگی اسلامی با تأکید بر اندیشه‌های مقام معظم رهبری»؛ نوشته حسین عندلیب. محتوای این کتاب مشتمل بر ۳۸ درس پیرامون سبک زندگی اسلامی با

تأکید بر اندیشه‌های مقام معظم رهبری است که با هدف تدریس در دوره‌های بلندمدت و کوتاه‌مدت تدوین شده است؛ نگرش‌های اعتقادی، خانواده، شاخص‌های اخلاقی، اصول تربیتی، الگوهای فعالیت فرهنگی، پوشش، بهداشت، مصرف، تغذیه، مسکن و نیز الگوی معاشرت، اخلاق سیاسی، رسانه‌ای و... از محورهای مورد بحث در این کتاب است.

۳. کتاب «سبک زندگی اسلامی در اندیشه‌های مقام معظم رهبری»، تألیف ابوالفضل احمدی. در این اثر، با استفاده از روش تحلیل گفتمان، آثار مکتوب و شفاهی ۲۳ ساله مربوط به مقام معظم رهبری از سال ۱۳۶۸ تا اوایل سال ۱۳۹۱ پیرامون مسأله سبک زندگی را مورد مطالعه قرار داده و مهم‌ترین وجه تمایز دیدگاه ایشان با نگاه جامعه‌شناسان در باب سبک زندگی را تأکید بر اصول‌گرایی اسلامی در این عرصه ذکر نموده است.

هم‌چنین در این زمینه مقالات متعددی، به بررسی مسأله سبک زندگی اسلامی از منظر رهبر معظم انقلاب پرداخته‌اند مانند: ۱. «جایگاه سبک زندگی اسلامی از دیدگاه مقام معظم رهبری»، نوشته محمد کرمی و همکاران؛ ۲. «مؤلفه‌های سبک زندگی دینی از دیدگاه مقام معظم رهبری»، نگاشته نوروز امینی و کوثر حلال خور؛ ۳. «سبک زندگی اسلامی در افق تبیین‌شده مقام معظم رهبری»، اثر یعقوب آقایی و معصومه آقایی؛ ۴. «نگاهی هستی‌شناسانه به سبک زندگی اسلامی در اندیشه مقام معظم رهبری»، اثر حسین حسن‌زاده و...

در این گونه آثار، تمرکز اصلی نویسندگان، تبیین مفهوم، مؤلفه‌ها و مختصات سبک زندگی اسلامی با تأکید بر دیدگاه رهبر معظم انقلاب و بیان تمایزات نگرش اسلامی با قرائت‌های غیر دینی است، اما نقش دولت اسلامی در این خصوص با رویکرد کاربردی، مورد تأمل قرار نگرفته است. نوشتار حاضر به طور خاص به بررسی رسالت دولت اسلامی و نهادهای حاکمیتی و فرهنگی در نهادینه‌سازی سبک زندگی اسلامی پرداخته و با تکیه بر رهنمودهای امام خامنه‌ای (مدظله)، مهم‌ترین الزامات این رویکرد را بر شمرده است.

مفهومی‌شناسی

بررسی موضوع سبک زندگی اسلامی و الزامات آن، مستلزم درک صحیح از مفهوم سبک زندگی اسلامی و رابطه‌ای آن با دولت اسلامی است تا رسالت دینی نهاد حکومت در این خصوص به خوبی روشن گردد.

دولت اسلامی

برای واژه «دولت» که معادل انگلیسی آن «Government» است، تعاریف گوناگونی ذکر شده است. برخی نویسندگان، مفاهیم «دولت» و «حکومت» را به یک معنا دانسته‌اند (وینسنت، ۱۳۷۶، ص ۵۷). برخی دیگر، دولت را به معنای مجموعه سازمان‌های اجرایی که قدرت اداره جامعه به آن داده شده است، تعریف نموده است (عمید زنجانی، ۱۳۸۹، ج ۲، ص ۴۹-۴۷). این معنا، همان تلقی عام عرفی از مفهوم دولت است که در زبان عامه مردم و رسانه‌ها از آن به «قوة مجریه»؛ یعنی مجموعه تشکیلات و اداره‌های دولتی یاد می‌شود. بر اساس این تعریف، دولت، عبارت است از جامعه‌ای که در آن قدرت سیاسی بر اساس قوانین اساسی تشریح و توسط نهادهای حاکمیتی اعمال می‌شود.

در علم سیاست، اصطلاح «دولت» به معنای بزرگ‌ترین سازمان‌بندی گروه انسانی است که قدرت و حاکمیت سیاسی در آن تجلی یافته و جریان می‌یابد (عالم، ۱۳۸۴، ص ۱۶۳). بر این اساس، مفهوم «دولت» بیانگر عالی‌ترین مظهر رابطه قدرت و حاکمیت بوده و در معنایی گسترده‌تر از نهادهای قانون‌گذاری و اجرایی حکومت به کار می‌رود و اجزای تشکیل‌دهنده آن عبارتند از: جمعیت انسانی شکل‌یافته (ملت)، سرزمین مرزبندی‌شده، هیأت حاکمه (حکومت) و اعمال حاکمیت. از این چهار چیز، حاکمیت مهم‌ترین جلوه اقتدار دولت شمرده می‌شود. این عناصر تشکیل‌دهنده دولت، یک کل تجزیه‌ناپذیر است؛ به گونه‌ای که فقدان یا کاستی در هر یک از عناصر مزبور، موقعیت یک دولت را به عنوان یک واحد سیاسی خدشه‌دار می‌کند (قوام، ۱۳۷۲، ص ۲۴-۲۰).

بنابراین، اگرچه «دولت» در مفهوم رایج آن، معطوف به نهادهای حاکمیتی است، اما در موضوع بحث، مراد از «دولت» ناظر به مفهوم عامی است که همه نهادهای تأثیرگذار در شکل‌گیری سبک زندگی را در بر می‌گیرد.

مراد از «دولت اسلامی»، نظام حکومتی مبتنی بر قوانین و آموزه‌های دینی و اسلامی است. در بیانات امام خامنه‌ای، کلمه «دولت اسلامی»، گاه به معنای خاص به کار رفته و مراد از آن، قوه مجریه است (خامنه‌ای، ۱۳۸۹/۶/۸). گاهی تعبیر «دولت اسلامی» ناظر به معنای عام آن؛ یعنی مجموعه نظام حکومتی است که نهادها و دستگاه‌های مختلفی را در خود جا داده است:

دولت نه به معنای هیأت وزیران؛ یعنی مجموعه کارگزاران حکومت (خامنه‌ای، ۱۳۹۹/۱/۳).

منظور از دولت اسلامی این است که بر اساس آنچه که در دوره تعیین نظام اسلامی به وجود آمد، یک قانون اساسی درست شد، نهادها و بنیان‌های اداره کشور و مدیریت کشور معین شد. این مجموعه نهادهای مدیریتی، دولت اسلامی است. در این جا منظور از دولت، فقط قوه مجریه نیست؛ یعنی مجموع دستگاه‌های مدیریتی کشور که اداره یک کشور را برعهده دارند؛ نظامات گوناگون اداره کننده کشور (خامنه‌ای، ۱۳۹۰/۷/۲۴).

در بیش‌تر بیانات رهبر معظم انقلاب، مراد از «دولت اسلامی»، مفهوم عام و مجموعه نظام حکومتی است.

از دیدگاه آیه‌الله خامنه‌ای، دولت اسلامی، با تشکیل حکومت و ایجاد ساختار سیاسی و مدیریتی معنا پیدا می‌کند و مهم‌ترین وظیفه‌ای که بر عهده دارد، شکل‌دهی جامعه اسلامی و مدیریت صحیح امورات آن است:

دولت اسلامی؛ یعنی سازوکارها و نهادهای لازم برای ایجاد آن جامعه اسلامی (همان).

ما یک نظام اسلامی را طراحی و پایه‌ریزی کردیم و الآن یک نظام اسلامی داریم که اصولش مشخص و مبنای حکومت در آن جا معلوم

است. مشخص است که مسؤولان چگونه باید باشند. قوای سه‌گانه وظایف‌شان معین است. وظایفی که دولت‌ها دارند، مشخص و معلوم است (خامنه‌ای، ۱۳۷۹/۹/۱۲).

بر این اساس، دولت اسلامی می‌باید در حوزه‌های سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و غیره، برنامه‌ریزی‌ها و اقداماتی را متناسب با الگوهای دینی انجام دهد تا بتواند زمینه‌های پیشرفت مادی و معنوی جامعه اسلامی را فراهم سازد.

سبک زندگی

سبک زندگی، از دو کلمه «سبک» و «زندگی» ترکیب یافته است. واژه «سبک»، فارسی و به معنای روش و شیوه‌ای خاص است. این واژه معادل کلمه «اسلوب» در زبان عربی و همسان با واژه «Style» در انگلیسی است. واژه «زندگی» نیز فارسی و به معنای زندگی کردن، زیستن، عمر، حیات و معاش است (عمید، ۱۳۸۹، ص ۶۰۸). به حالت موجود و مجموعه فعالیت‌هایی که کسی در طول زمان مشخص انجام می‌دهد و نیز به وسایل و امکاناتی که برای رفاه، آسایش و زنده ماندن فرد لازم است، زندگی گفته می‌شود (انوری، ۱۳۸۲، ج ۵، ۳۸۸۹). به فاصله میان تولد تا مرگ، زندگی، زیست و حیات اطلاق می‌شود.

در تعریف سبک زندگی گفته شده است: سبک زندگی به مجموعه رفتارها، مدل‌ها و الگوهای کنش‌های فرد اطلاق می‌شود که معطوف به ابعاد هنجاری، رفتاری و معنایی زندگی اجتماعی او باشد و نشان‌دهنده کم و کیف نظام باورها و کنش‌ها و واکنش‌های فرد و جامعه است (آجیلی و بیگی، ۱۳۹۲، ش ۱۳، ص ۱۱۰-۸۱). اصطلاح سبک زندگی، به روش زندگی مردم و بازتابی کامل از ارزش‌های اجتماعی، طرز برخورد و فعالیت‌ها اشاره دارد. هم‌چنین ترکیبی از الگوهای رفتاری و عادات فردی در سراسر زندگی است که در پی فرایند جامعه‌پذیری به وجود آمده است. بنابراین، مراد از «سبک زندگی»، چگونه زیستن و نحوه زندگی کردن است؛ به شیوه و روشی که شخص یا گروهی از افراد جامعه بر اساس آن زیست می‌کنند، سبک زندگی گفته می‌شود. در سخنان رهبر

معظم انقلاب نیز سبک زندگی، به رفتار اجتماعی و شیوه زیستن معنا شده است (خامنه‌ای، ۱۳۹۱/۷/۲۳).

با این نگاه، سبک زندگی، حالت و شیوه‌ای برخاسته از نگرش‌ها، گرایش‌ها، ارزش‌ها، عادت‌ها، سلیقه‌ها و معیارهایی است که طرز تلقی فرد یا گروهی را می‌سازد و به رفتار او شکل خاصی می‌بخشد؛ به همین دلیل، سبک زندگی هر کسی، به چگونگی نگرش او به زندگی وابسته است، هر انسانی زندگی را آن گونه می‌بیند که در مورد آن فکر می‌کند و نحوه زندگی او نیز بر اساس نوع تلقی او نسبت به معنای زندگی و آنچه در نگاه او نقش بسته است، شکل می‌گیرد.

نقش دولت اسلامی در اصلاح سبک زندگی

مهم‌ترین رسالت دینی و اجتماعی دولت اسلامی، نقش‌آفرینی در اصلاح سبک زندگی و ترویج ارزش‌های دینی در جامعه است؛ زیرا همان‌گونه که دین برنامه چگونگی زیستن است، دولت مبتنی بر دین نیز عهده‌دار سبک زندگی دین‌مدارانه و حفاظت از آن است. از این رو، اسلامی بودن دولت، مستلزم اسلامی بودن احکام و قوانین و شیوه حکمرانی اسلامی است؛ هر اندازه احکام و قوانین جاری در جامعه و منش رفتاری حاکمان و دولتمردان، هماهنگ با الگوهای توصیه‌شده در آموزه‌های دینی باشد، به همان میزان این رویکرد اصلاحی در تمامی جریان‌های اجتماعی تسری می‌یابد، به مصداق «الناس علی دین ملوکهم» (اربلی، ۱۳۸۱ق، ج ۲، ص ۲۱).

بر این اساس، آیه‌الله خامنه‌ای، به مناسبت‌های مختلف، رسالت دولت اسلامی و نقش حاکمان جامعه در چگونگی سبک زندگی را تبیین نموده است. در نگاه رهبر معظم انقلاب، منش دین‌مدارانه دولت‌مردان به دلیل نقش‌آفرینی آنان، تأثیر مستقیمی در اسلامی‌سازی الگوهای رفتاری در جامعه دارد. از این رو، می‌فرمایند:

ما منشأ اثریم و یک کلمه حرف و یک امضا و یک تصمیم‌گیری من و شما در جامعه تأثیر می‌گذارد. ما اگر خود را اصلاح کردیم، جامعه را اصلاح

کرده‌ایم. اگر ما خود را اصلاح کنیم، جامعه اصلاح شده است (خامنه‌ای،
۱۳۸۰/۹/۲۱).

بنابراین، اصلاح الگوهای رفتاری کارگزاران دولت اسلامی در حکمرانی صحیح و
تبعیت آنان از قواعد و آموزه‌های دینی در شیوه مدیریتی جامعه، مهم‌ترین عامل
اسلامی‌سازی جامعه است.

در نگرش آیه‌الله خامنه‌ای، سبک زندگی اسلامی، نیازمند فرهنگ‌سازی آموزه‌های
دینی در جامعه است و این رسالت بزرگ، بیش از همه بر عهده دولت اسلامی و
نهادهای فرهنگ‌ساز می‌باشد:

بنده طرفدار این نیستم که حالا در مورد لباس، در مورد مسکن، در مورد
سایر چیزها، یکباره یک حرکت جمعی و عمومی انجام بگیرد؛ نه، این کارها
باید به تدریج انجام بگیرد، دستوری هم نیست، این‌ها فرهنگ‌سازی لازم
دارد. همان‌طور که گفتم، کار نخبگان است، کار فرهنگ‌سازان است و شما
جوان‌ها باید خودتان را برای این آماده کنید؛ این، رسالت اصلی است. ما از
علم ترویج می‌کنیم، از صنعت ترویج می‌کنیم، از اختراع و نوآوری ترویج
می‌کنیم، هر مبتکری و هر ابتکاری را با احترام تمام بر روی چشم می‌نشانیم
- این به جای خود محفوظ - اما همان‌طور که گفتیم، اصل قضیه جای دیگر
است؛ اصل قضیه، درست کردن سبک زندگی است، رفتار اجتماعی است،
اخلاق عمومی است، فرهنگ زندگی است. باید در این بخش، ما پیش
برویم، باید تلاش کنیم. تمدن نوین اسلامی که ما مدعی‌اش هستیم و دنبالش
هستیم و انقلاب اسلامی می‌خواهد آن را به وجود بیاورد، بدون این بخش
تحقق پیدا نخواهد کرد. اگر آن تمدن به وجود آمد، آن وقت ملت ایران در
اوج عزت است؛ ثروت هم دنبالش هست، رفاه هم دنبالش هست، امنیت هم
دنبالش هست، عزت بین‌المللی هم دنبالش هست؛ همه چیز با او خواهد
بود، همراه با معنویت (خامنه‌ای، ۱۳۹۱/۷/۲۳).

بنابراین، دولت اسلامی به دلیل برخورداری از امکانات و ابزارهای لازم برای تغییر

نگرش‌های عمومی و دراختیارداشتن نهادها و سازوکارهای مدیریت جریان‌های فرهنگی جامعه، می‌تواند نقش اساسی در ایجاد سبک زندگی مطلوب و هدایت آن داشته باشد.

دولت اسلامی و الزامات سبک زندگی اسلامی

مراد از بایسته‌ها، توجه به نوع نگرش‌ها و اقداماتی است که در شکل‌گیری سبک زندگی اسلامی و عینیت‌بخشی به آن، تأثیر مستقیم دارد و دولت اسلامی می‌تواند در این راستا نقش‌آفرین باشد و بسترهای لازم برای زندگی مطلوب در عرصه‌های علمی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و غیره را فراهم سازد.

مراد از بایسته‌ها و الزامات سبک زندگی اسلامی، توجه به الزامات، نگرش‌ها، انگیزه‌ها و اقداماتی است که در شکل‌گیری سبک اسلامی و عینیت‌بخشی آن در عرصه‌های دین، اخلاق، فرهنگ، سیاست، اقتصاد و غیره تأثیر مستقیم دارد.

از دیدگاه رهبر معظم انقلاب، تحقق سبک زندگی اسلامی، مستلزم توجه مسئولان دولت اسلامی به الگوهای سبک زندگی دینی و بایسته‌های تحقق آن در جامعه اسلامی با بهره‌گیری از امکانات و ظرفیت‌های علمی، فرهنگی، اجتماعی و فراهم‌سازی بسترهای لازم برای زندگی مطلوب است.

به برخی از مهم‌ترین بایسته‌های حرکت در این مسیر که در سخنان امام خامنه‌ای، مورد توجه قرار گرفته است، اشاره می‌شود:

نهادینه‌سازی فرهنگ دینی در جامعه

فرهنگ و تفکر اسلامی، ذاتاً الگوساز و تحول‌آفرین است، اما عینیت‌بخشی به تفکر اسلامی در عرصه‌های زندگی، به درک صحیح ما از آموزه‌های دینی و نقش آن در شئون زندگی وابسته است؛ از این رو، نخستین گام در تحقق سبک زندگی اسلامی، نهادینه‌سازی فرهنگ و ارزش‌های تعالی‌بخش دینی در جامعه است. فرهنگ‌سازی ارزش‌های دینی، مستلزم داشتن نگرش دینی نسبت به زندگی است؛ زیرا وجود نگرش دینی است که نوع نگاه، گرایش‌ها و اقدامات ما را تعدیل و تنظیم می‌کند.

نگرش دینی در حقیقت نگاه صحیح و حکیمانه نسبت به زندگی و حوادث و پدیده‌های آن است. این نگاه، باید درون وجود ما کشف و بارور گردد و همانند آب حیات، مدام در ذهن ما جاری و ساری باشد تا جسم و روان ما را زنده و شاداب نگه دارد؛ از این رو، نگرش دینی، یک امر بیرون از وجود ما نیست تا در اقالیم جهان در جست‌وجوی یافتن آن باشیم، بلکه در درون ذهن ما شکل می‌گیرد؛ چنان‌که قرآن کریم می‌فرماید:

«قُلْ كُلٌّ يَعْمَلُ عَلَىٰ شَاكِلَتِهِ» (اسراء (۱۷): ۸۴)؛ بگو: هرکس طبق روش [و خلق و خوی] خود عمل می‌کند.

بر این اساس، شناخت هدف و فلسفه زندگی، اساسی‌ترین بایستگی سبک زندگی است. هر قدر انسان در باره مسائل پیرامون خود از درک بیش‌تری برخوردار باشد و به پرسش‌های فراوی خویش، پاسخ‌های روشنی بیابد، به سطح بالاتر و عمیق‌تری از معنای زندگی دست می‌یابد؛ از این نظر، سبک زندگی متأثر از هدفی است که زندگی را سمت و سو داده و به آن معنا می‌بخشد؛ زیرا همه فعالیت‌های آگاهانه و ناآگاهانه انسان، زمانی مفهوم خواهد داشت که هدف نهایی از زندگی روشن باشد. اگر انسان نتواند در یابد که هدف از زندگی چیست و پاسخی مناسب برای این پرسش نداشته باشد، زندگی را پوچ و بی‌معنا خواهد یافت؛ زیرا فقدان نگاه اصولی و صحیح به جایگاه انسان و معنای زندگی، سبب از خودبیگانگی و در نتیجه بی‌هویتی و فقدان شخصیت می‌گردد. چنان‌که قرآن کریم، این از خودبیگانگی را خودفروشی زیانبار یاد نموده است:

«إِنَّ الْخَاسِرِينَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنفُسَهُمْ» (زمر (۳۹): ۱۵)؛ بگو زیانکاران کسانی‌اند که خویشتن خویش را فروخته‌اند.

بنابراین، نگرش دینی که متضمن سطحی از دین‌داری است، مهم‌ترین عامل هویت‌آفرین و معنابخش زندگی است. هویت دینی نشان‌دهنده احساس تعلق فرد به دین و جامعه دینی است که با پذیرش دین به عنوان اصل اعتقادی، تعهد و احساس تعلق به آن، در زندگی و وجوه مختلف حیات وی دیده می‌شود. ضعف باورهای دینی

و بی‌اعتقادی نسبت به سرچشمه هستی و آینده حیات، احساس پوچی نسبت به جهان و زندگی، خودستیزی و جامعه‌ستیزی، فقدان تعهد شخصی، گروهی و اجتماعی، عدم مسؤولیت‌پذیری در برابر خود و دیگران، رشد فردگرایی و روحیه خودخواهی و خودپرستی، بی‌اعتمادی به خود و جامعه و سلب اعتماد دیگران نسبت به او، بی‌توجهی به ارزش‌های اخلاقی و اجتماعی در فرد، برخی از پیامدهای منفی بی‌هویتی و فقدان معناداری زندگی است.

امام خامنه‌ای، ضمن تأکید بر اهمیت و نقش محوری باورهای دینی در ایجاد، تحکیم و گسترش سبک زندگی اسلامی، دستیابی افراد جامعه به هدایت، تکامل و کرامت انسانی را تنها در پرتو حاکمیت دین و عبودیت الهی ممکن می‌داند؛ همان چیزی که هدف مشترک رهبران الهی بوده است:

هدف تمام پیامبران، کشاندن مردم به صراط مستقیم است و صراط مستقیم هم؛ یعنی عبودیت: «وَأَنْ اَعْبُدُونِي هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ» (یس (۳۶): ۶۱)، باید مردم را به عبودیت الهی که همان صراط مستقیم است، سوق دهید (خامنه‌ای، ۱۳۷۶/۱۰/۳).

راه خدا فقط به معنای عبادت‌کردن و در کنج نشستن نیست؛ راه خدا یعنی به‌سعادت‌رساندن جامعه انسانی. ملت ما این راه را انتخاب کرد؛ یعنی راه عدالت، راه انصاف، راه عبودیت الهی، راه برابری انسان‌ها، راه برادری انسان‌ها با یکدیگر و راه اخلاق نیکو و پسندیده و فضیلت‌های انسانی و در این راه پافشاری هم کرده است (خامنه‌ای، ۱۳۸۵/۸/۲۱).

اسلام، دین توحید است و توحید؛ یعنی رهایی انسان از عبودیت و اطاعت و تسلیم در برابر هر چیز و هرکس به جز خدا؛ یعنی گسستن بندهای سلطه نظام‌های بشری؛ یعنی شکستن طلسم ترس از قدرت‌های شیطانی و مادی؛ یعنی تکیه بر اقتدارات بی‌نهایتی که خداوند در نهاد انسان قرار داده و از او بکارگیری آن‌ها را هم‌چون فریضه‌ای تخلف‌ناپذیر، طلب کرده است؛ یعنی اعتماد به وعده الهی در پیروزی مستضعفین بر ستم‌گران و مستکبرین به

شرط قیام و مبارزه و استقامت؛ یعنی دل‌بستن به رحمت خدا و نهراسیدن از احتمال شکست؛ یعنی استقبال از زحمات و خطراتی که در راه تحقق وعده الهی، آدمی را تهدید می‌کند؛ یعنی مشکلات راه را به حساب خدا گذاشتن و خود را به پیروزی حتمی و نهایی امیدوار داشتن؛ یعنی در مبارزه، چشم به هدف عالی - که نجات جامعه از هرگونه ستم و تبعیض و جهل و شرک است - دوختن و عوض ناکامی‌های شخصی و میان راهی را نزد خدا جستن و خلاصه؛ یعنی خود را مرتبط و متصل به اقیانوس لایزال قدرت و حکمت الهی دیدن و به سمت هدف اعلی، با امید و بی‌تشویش شتافتن. همه عزت و اعتلایی که به مسلمین وعده داده شده، در سایه چنین ایمان و درک روشن و عمیقی از توحید است. بدون فهم درست و پایبندی عقیدتی و عملی به توحید، هیچ‌کدام از وعده‌های الهی در باره مسلمانان عملی نخواهد شد (خامنه‌ای، ۱۳۶۹/۳/۱۰).

امام خامنه‌ای، مهم‌ترین عنصر در سبک زندگی دینی را داشتن ایمان و هدف در زندگی می‌داند و معتقد است نگرش ایمانی و ایدئولوژیک، تنها عاملی است که سبک زندگی هدفمند و اسلامی را در جامعه محقق می‌سازد. ایشان می‌گوید:

رفتار اجتماعی و سبک زندگی، تابع تفسیر ما از زندگی است: هدف زندگی چیست؟ هر هدفی که ما برای زندگی معین کنیم، برای خودمان ترسیم کنیم، به طور طبیعی، متناسب با خود، یک سبک زندگی به ما پیشنهاد می‌شود. یک نقطه اصلی وجود دارد و آن، ایمان است. یک هدفی را باید ترسیم کنیم - هدف زندگی را - به آن ایمان پیدا کنیم. بدون ایمان، پیشرفت در این بخش‌ها امکان‌پذیر نیست، کار درست انجام نمی‌گیرد... مسأله ایمان، مهم است. ایمان به یک اصل، ایمان به یک لنگرگاه اصلی اعتقاد؛ یک چنین ایمانی باید وجود داشته باشد. بر اساس این ایمان، سبک زندگی انتخاب خواهد شد (خامنه‌ای، ۱۳۹۱/۷/۲۳).

به اعتقاد ایشان، ایدئولوژی دینی و ایمانی، موتور حرکت تمدنی و انسجام‌بخش

دیگر عوامل سازنده یک تمدن است:

هیچ ملتی که داعیه تمدن‌سازی دارد، بدون ایدئولوژی نمی‌تواند حرکت کند و تا امروز حرکت نکرده است. هیچ ملتی بدون دارا بودن یک فکر و یک ایدئولوژی و یک مکتب، نمی‌تواند تمدن‌سازی کند. همین‌هایی که امروز شما ملاحظه می‌کنید در دنیا تمدن مادی را به وجود آورده‌اند، این‌ها با ایدئولوژی وارد شدند؛ صریح هم گفتند؛ گفتند ما کمونیستیم، گفتند ما کاپیتالیستیم، گفتند ما به اقتصاد سرمایه‌داری اعتقاد داریم؛ مطرح کردند، به آن اعتقاد ورزیدند، دنبالش کردند؛ البته زحماتی هم متحمل شدند، هزینه‌ای هم بر دوش آن‌ها گذاشته شد. بدون داشتن یک مکتب، بدون داشتن یک فکر و یک ایمان و بدون تلاش برای آن و پرداختن هزینه‌های آن، تمدن‌سازی امکان ندارد (همان).

به همین دلیل، رهبر معظم انقلاب، تقویت باورهای دینی در جامعه اسلامی را از الزامات حتمی حرکت تمدنی دانسته و عنصر ایمان و ایدئولوژی مکتبی را قوام‌بخش اراده‌های جمعی برای ساخت بنای تمدن نوین اسلامی می‌داند و معتقد است که:

بدون مکتب و بدون ایدئولوژی نمی‌توان یک تمدن را به وجود آورد؛ احتیاج به ایمان است. این تمدن، دارای علم خواهد بود، دارای صنعت هم خواهد بود، دارای پیشرفت هم خواهد بود و این مکتب، هدایت‌کننده و اداره‌کننده همه این‌ها خواهد شد. آن‌که مکتب توحید را مبنای کار خودش قرار می‌دهد، آن جامعه‌ای که به دنبال توحید حرکت می‌کند، همه این خیراتی را که متوقف بر تمدن‌سازی است، به دست خواهد آورد؛ یک تمدن بزرگ و عمیق و ریشه‌دار خواهد ساخت و فکر و فرهنگ خودش را در دنیا گسترش خواهد داد (همان).

در نگاه امام خامنه‌ای، نگرش مادی و توجه صرف به دستاوردهای ظاهری تمدن، هرگز جامعه را به رشد و تعالی تمدنی تمدن نمی‌رساند، بلکه سبب انحطاط و سقوط ارزش‌های انسانی می‌گردد:

جامعه بدون آرمان، بدون مکتب، بدون ایمان، ممکن است به ثروت برسد، به قدرت برسد، اما آن وقتی هم که به ثروت و قدرت برسد، تازه می‌شود یک حیوان سیر و قدرتمند - و ارزش انسان گرسنه از حیوان سیر بیش‌تر است - اسلام این را نمی‌خواهد. اسلام طرفدار انسانی است که هم برخوردار باشد، هم قدرتمند باشد و هم شاکر و بنده خدا باشد؛ جبهه عبودیت بر خاک بساید. انسان بودن، قدرتمند بودن و بنده خدا و عبد خدا بودن؛ این آن چیزی است که اسلام می‌خواهد؛ می‌خواهد انسان بسازد، الگوی انسان‌سازی است (همان).

بنابراین، هدف از سبک زندگی دینی و اسلامی، انتخاب روش و شیوه‌ای صحیح در زندگی برای رسیدن به خواسته‌های مادی و معنوی انسان و تکامل و تقرب به خدای متعال است، وجود چنین هدفی موجب معنابخشی زندگی گردیده و اراده انسان در نیل به آرمان‌های متعالی معنوی را مستحکم می‌سازد.

توجه به اصالت فرهنگی و تمدنی جامعه اسلامی

یکی از جنبه‌های مهم مسأله سبک زندگی، بعد فرهنگی و تمدنی آن است. توجه به اصالت فرهنگی و تأثیرات آن در ترویج سبک زندگی اسلامی، بدین جهت حائز اهمیت است که اساساً سبک زندگی اسلامی، ماهیت فرهنگی و تمدنی دارد و آداب و سلوک رفتاری جامعه اسلامی از آموزه‌های دینی الگو می‌پذیرد؛ به گونه‌ای که همه عناصر و مؤلفه‌های آن در عرصه‌های علم، فرهنگ، سیاست، اقتصاد، ارتباطات، مدیریت و غیره برگرفته و یا متأثر از فرهنگ دینی و آموزه‌های اسلامی است. فرهنگ و سبک زندگی، آنگاه اسلامی است که نمودهای اجتماعی آن در عرصه‌های مختلف، رنگ و بوی دینی داشته باشد و سامانه‌های زندگی بر پایه آموزه‌های دینی بنا نهاده شود.

بنابراین، احیای فرهنگ و تمدن اسلامی، مستلزم ترویج و تعمیق باورهای دینی و نهادینه‌سازی الگوهای رفتاری مبتنی بر سبک زندگی اسلامی در جامعه است. اهمیت و

شیوه‌های نهادینه‌سازی سبک زندگی اسلامی در جامعه را می‌توان از آموزه‌های اعتقادی، اخلاقی و اجتماعی دین به دست آورد. همان‌گونه که در آموزه‌های روایی؛ به ویژه روایات مهدویت، بر لزوم نگرش دینی و نهادینه‌سازی فرهنگ و تفکر اسلامی در جامعه تأکید شده است.

در نگاه امام خامنه‌ای، نهادینه‌سازی سبک زندگی اسلامی در ساحت‌های فردی، خانوادگی و اجتماعی، مهم‌ترین زیرساخت نرم‌افزاری ایجاد و مهندسی تمدن نوین اسلامی شمرده می‌شود؛ از این رو، ایشان نسبت به موضوع سبک زندگی اسلامی، نگاه ویژه‌ای داشته و در سخنان خود بارها بر لزوم نهادینه‌سازی سبک زندگی اسلامی در جامعه و نقش ویژه آن در تحقق تمدن نوین اسلامی تأکید نموده است.

رابطه و نقش دولت در سبک زندگی، آنگاه به خوبی روشن می‌شود که نقش محوری و بنیادین دین در ساختار سبک زندگی و تحقق تمدن اسلامی به درستی مورد توجه قرار گیرد. از این رو، معظم له با هوشمندی خاص این موضوع را مورد تأمل قرار داده و ضمن تقسیم‌بندی ساختار تمدن اسلامی به دو بخش ابزاری و حقیقی، مسأله سبک زندگی را به عنوان بخش حقیقی و اصلی تمدن اسلامی برشمرده می‌فرماید:

هدف انقلاب اسلامی، ایجاد یک تمدن نوین اسلامی است؛ این تمدن نوین دو بخش دارد: یک بخش، بخش ابزاری است، یک بخش دیگر، بخش متنی و اصلی و اساسی است. به هر دو بخش باید رسید. بخش ابزاری عبارت است از همین ارزش‌هایی که ما امروز به عنوان پیشرفت کشور مطرح می‌کنیم: علم، اختراع، صنعت، سیاست، اقتصاد، اقتدار سیاسی و نظامی، اعتبار بین‌المللی، تبلیغ و ابزارهای تبلیغ؛ این‌ها همه بخش ابزاری تمدن است؛ وسیله است. البته ما در این بخش در کشور پیشرفت خوبی داشته‌ایم...، اما بخش حقیقی، آن چیزهایی است که متن زندگی ما را تشکیل می‌دهد که همان سبک زندگی است که عرض کردیم. این، بخش حقیقی و اصلی تمدن است؛ مثل مسأله خانواده، سبک ازدواج، نوع مسکن، نوع لباس،

الگوی مصرف، نوع خوراک، نوع آشپزی، تفریحات، مسأله خط، مسأله زبان، مسأله کسب و کار، رفتار ما در محل کار، رفتار ما در دانشگاه، رفتار ما در مدرسه، رفتار ما در فعالیت سیاسی، رفتار ما در ورزش، رفتار ما در رسانه‌ای که در اختیار ماست، رفتار ما با پدر و مادر، رفتار ما با همسر، رفتار ما با فرزند، رفتار ما با رئیس، رفتار ما با مرئوس، رفتار ما با پلیس، رفتار ما با مأمور دولت، سفرهای ما، نظافت و طهارت ما، رفتار ما با دوست، رفتار ما با دشمن، رفتار ما با بیگانه؛ این‌ها آن بخش‌های اصلی تمدن است که متن زندگی انسان است. تمدن نوین اسلامی در بخش اصلی، از این چیزها تشکیل می‌شود؛ این‌ها متن زندگی است؛ این همان چیزی است که در اصطلاح اسلامی به آن می‌گویند: عقل معاش. عقل معاش، فقط به معنای پول درآوردن و پول خرج کردن نیست که چگونه پول در بیاوریم، چگونه پول خرج کنیم؛ نه، همه این عرصه وسیعی که گفته شد، جزو عقل معاش است... اگر ما در این بخشی که متن زندگی است، پیشرفت نکنیم، همه پیشرفت‌هایی که در بخش اول کردیم، نمی‌تواند ما را رستگار کند؛ نمی‌تواند به ما امنیت و آرامش روانی ببخشد؛ هم‌چنان که می‌بینید در دنیای غرب نتوانسته. در آن‌جا افسردگی هست، ناامیدی هست، از درون به هم ریختن هست، عدم امنیت انسان‌ها در اجتماع و در خانواده هست، بی‌هدفی و پوچی هست؛ با این‌که ثروت هست، بمب اتم هست، پیشرفت‌های گوناگون علمی هست، قدرت نظامی هم هست. اصل قضیه این است که ما بتوانیم متن زندگی و این بخش اصلی تمدن را اصلاح کنیم (همان).

ایشان، معیار دآوری در باره نزدیکی جامعه به هسته سبک زندگی اسلامی را توجه به ابعاد حقیقی تمدن و میزان هویت‌سازی و تحقق سبک زندگی دینی در جامعه بیان نموده می‌گوید:

قضاوت در باره یک تمدن، مبتنی بر این‌هاست. نمی‌شود یک تمدن را به صرف این‌که ماشین دارد، صنعت دارد، ثروت دارد، قضاوت کرد و

تحسین کرد؛ در حالی که در داخل آن، این مشکلات فراوان، سراسر جامعه و زندگی مردم را فرا گرفته. اصل این‌هاست؛ آن‌ها ابزاری است برای این‌که این بخش تأمین شود تا مردم احساس آسایش کنند، با امید زندگی کنند، با امنیت زندگی کنند، پیش بروند، حرکت کنند، تعالی انسانی مطلوب پیدا کنند. یک مقوله‌ای در این‌جا مطرح می‌شود و سر بر می‌آورد، به عنوان مقوله فرهنگ زندگی. باید ما به دنبال این باشیم که فرهنگ زندگی را تبیین کنیم، تدوین کنیم و به شکل مطلوب اسلام تحقق ببخشیم. البته اسلام بُنمایه‌های یک چنین فرهنگی را برای ما معین کرده است. بُنمایه‌های این فرهنگ عبارت است از خردورزی، اخلاق، حقوق؛ این‌ها را اسلام در اختیار ما قرار داده است. اگر ما به این مقولات به طور جدی نپردازیم، پیشرفت اسلامی تحقق پیدا نخواهد کرد و تمدن نوین اسلامی شکل نخواهد گرفت. هرچه ما در صنعت پیش برویم، هرچه اختراعات و اکتشافات زیاد شود، اگر این بخش را ما درست نکنیم، پیشرفت اسلامی به معنای حقیقی کلمه نکرده‌ایم. باید برای این بخش زیاد کار کنیم، زیاد تلاش کنیم (همان).

مقابله با الگوها و نمادهای فرهنگ مادی غرب

یکی دیگر از بایسته‌ها و رسالت دولت اسلامی در تحقق سبک زندگی دینی، مقابله با فرهنگ مهاجم غرب و نمادهای تمدنی غربی است و مهم‌ترین وظیفه دولت اسلامی، جلوگیری از چالش‌های ناشی از استحاله فرهنگی و ایجاد مصونیت در برابر آسیب‌های پدیده‌آمده از فرهنگ مادی غرب است.

از دیدگاه امام خامنه‌ای، فرهنگ مادی غرب، با پوچ‌گرایی، شهوت‌پرستی و کشاندن افراد به سمت انواع فسادها آمیخته است. رهبر معظم انقلاب در باره ماهیت فرهنگ و تمدن غرب می‌فرماید:

یکی از خصوصیات فرهنگ غربی، عادی‌سازی گناه است؛ گناه‌های جنسی

را عادی می‌کنند. امروز این وضعیت در خود غرب به فضاقت کشیده شده؛ اول در انگلیس، بعد هم در بعضی از کشورهای دیگر و آمریکا. این گناه بزرگ هم‌جنس‌بازی شده یک ارزش! به فلان سیاست‌مدار اعتراض می‌کنند که چرا او با هم‌جنس‌بازی مخالف است یا با هم‌جنس‌بازها مخالف است! ببینید انحطاط اخلاقی به کجا می‌رسد. این، فرهنگ غربی است. هم‌چنین فروپاشی خانواده، گسترش مشروبات الکلی، گسترش مواد مخدر... باطن فرهنگ غربی عبارت از همان سبک زندگی مادی شهوت‌آلود گناه‌آلود هویت‌زدا و ضد معنویت و دشمن معنویت (همان).

یک برهه‌ای از زمان نگاه به پیشرفت، نگاه غربی بود؛ یعنی همان راهی که آن‌ها رفتند، این‌ها هم باید بروند؛ تصورشان این بود. خودشان را در حد انگلیس و فرانسه و آلمان هم نمی‌دیدند؛ در حد همین کشورهای مثل کره جنوبی می‌دیدند، این هم رد شد. امروز در ذهن و فکر مسئولان و به صورت یک گفتمان عمومی در ذهن نخبگان و فرزندان، نقشه پیشرفت غربی کشور رد شده است؛ غلط از آب درآمده است. علتش هم این است که انتقاد از نقشه پیشرفت به شیوه غربی، امروز مخصوص ملت‌های شرق نیست، مخصوص ما نیست، خود اندیشمندان غربی، خود فرزندان غربی، زبان به انتقاد گشوده‌اند؛ هم در زمینه‌های اقتصادی، هم در زمینه‌های اخلاقی، هم در زمینه‌های سیاسی. همان چیزی که به آن افتخار می‌کردند به عنوان لیبرال دموکراسی، امروز مورد انتقاد است؛ پس این هم نقشه پیشرفت نیست. امروز ما این‌ها را می‌دانیم. البته نقشه پیشرفت اسلامی - ایرانی چیست؟ این باید تدوین شود، باید روشن شود، باید ابعاد و زوایایش مشخص شود؛ این کار به طور کامل انجام نگرفته است و باید بشود. اما همینی که ما فهمیده‌ایم که باید برگردیم به نقشه اسلامی - ایرانی، این خودش موفقیت بزرگی است. این موفقیت را امروز داریم. خوب، این مسیر پیشرفت است. مسیر پیشرفت، مسیر غربی نیست، مسیر منسوخ و برافتاده اردوگاه شرق قدیم هم نیست.

بحران‌هایی که در غرب اتفاق افتاده است، همه پیش روی ماست، می‌دانیم که این بحران‌ها گریبان‌گیر هر کشوری خواهد شد که از آن مسیر حرکت کند. پس ما بایستی مسیر مشخص ایرانی - اسلامی خودمان را در پیش بگیریم و این را با سرعت حرکت کنیم؛ با سرعت مناسب (خامنه‌ای، ۱۳۸۷/۲/۱۴). آنچه امروز دستگاه‌های سیاسی غرب ترویج می‌کنند، همان جاهلیتی است که بعثت پیغمبر برای زدودن آن - از محیط زندگی بشر - به وجود آمد. نشانه‌های همان جاهلیت، امروز در دنیا، در این تمدن رایج فاسد غربی مشاهده می‌شود؛ همان بی‌عدالتی، همان تبعیض، همان نادیده‌گرفتن کرامت انسان، همان عمده‌کردن مسائل جنسی و نیازهای جنسی. قرآن کریم خطاب به همسران مکرم پیغمبر می‌فرماید: «وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى» (احزاب (۳۳): ۳۳)، یکی از نشانه‌های جاهلیت اولی، تبرج زنانه است. امروز یکی از عمده‌ترین مظاهر تمدن غربی، همین تبرج است؛ این همان جاهلیت است، متتها جاهلیتی که توانسته است خود را با سلاح تبلیغات مدرن مجهز بکند، حقایق را از چشم مردم بپوشاند؛ این‌ها را باید ما مسلمان‌ها بفهمیم، این‌ها را باید بدانیم (خامنه‌ای، ۱۳۹۳/۳/۶).

تلاش غرب در ترویج سبک زندگی غربی در ایران، زیان‌های بی‌جبران اخلاقی و اقتصادی و دینی و سیاسی به کشور و ملت ما زده است؛ مقابله با آن، جهادی همه‌جانبه و هوشمندانه می‌طلبد که باز چشم امید در آن به شما جوان‌ها است (خامنه‌ای، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲).

نتیجه قهری خودباختگی و تبعیت از فرهنگ غرب، نفوذ و استیلای سیاسی دشمن بر مقدرات و سرمایه‌های جوامع اسلامی و انحطاط آنان است.

التزام کارگزاران دولت اسلامی به ارزش‌های دینی

یکی دیگر از الزامات دولت اسلامی در تحقق سبک زندگی دینی، منش رفتاری حاکمان و دولتمردان و اصلاح شیوه حکمرانی آنان است. هر اندازه روش و منش

دولت مردان، هماهنگ با الگوهای رفتاری توصیه شده در آموزه‌های دینی اسلامی باشد، به همان میزان این رویکرد اصلاحی در تمامی جریان‌ها و افراد جامعه تسری می‌یابد؛ زیرا به مصداق «النَّاسُ عَلَى دِينِ مَلُوكِهِمْ» (اربلی، ۱۳۸۱ق، ج ۲، ص ۲۱)، مردم به روش و طریقه حاکمان خویش زندگی می‌کنند. از این رو، اولین اصل در اصول رفتاری دولت اسلامی، التزام والیان به ارزش‌ها و هنجارهای دینی در رفتار و منش حکمرانی است؛ چرا که دولت اسلامی با حکمرانی سالم و صحیح معنا پیدا می‌کند.

در تفکر اسلامی منش صحیح والیان با رعیت و تعامل سازنده میان حکومت و مردم، اصلی‌ترین زیرساخت اصلاح سبک زندگی جامعه اسلامی شمرده می‌شود: «فلیست تصلح الرعیة الا بصلاح الولاة» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۸، ص ۳۵۳)؛ امر رعیت، جز با روش و منش مصلحانه والیان سامان نمی‌یابد.

بر این اساس، امام خامنه‌ای، عملکرد شایسته دولت مردان با مردم و تطبیق رفتار آنان با معیارهای اسلامی را نقطه شروع اسلامی شدن جامعه می‌داند:

ما باید به معنای واقعی کلمه، در درون این نظام اسلامی، اسلامی شویم.. ما مسؤولان باید خود را بسازیم؛ مسؤولان ما باید بتوانند تا حد قابل قبولی خود را با قالب‌ها و معیارهای دینی و اخلاقی اسلامی تطبیق دهند. ما اگر خود را اصلاح کردیم، جامعه را اصلاح کرده‌ایم... نمی‌شود توقع داشت که من و شما خود را اصلاح نکنیم، اما دنیا را اصلاح کرده باشیم یا کشور، اسلامی شود (خامنه‌ای، ۱۳۸۰/۹/۲۱).

رهبر معظم انقلاب، پای‌بندی به قوانین و ارزش‌های دینی در عرصه سیاست و اجتماع را لازمه پیمودن این راه دانسته و با استناد به سیره حکومتی امیر المؤمنین علیه السلام که می‌فرماید:

«اللَّهُمَّ، إِنَّكَ تَعْلَمُ أَنَّهُ لَمْ يَكُنْ الَّذِي كَانَ مِّنَّا مَنَافَسَةً فِي سُلْطَانٍ، وَ لَا التَّمَّاسُ شَيْءٌ مِّنْ فَضُولِ الْحَطَامِ وَ لَكِنْ لِنَرْدَةِ الْمَعَالِمِ مِنْ دِينِكَ، نَظْهَرُ الْإِصْلَاحَ فِي بِلَادِكَ فَيَأْمَنُ الْمَظْلُومُونَ مِنْ عِبَادِكَ، وَ تَقَامُ الْمَعْظَلَّةُ مِنْ حُدُودِكَ» (نهج البلاغه، خطبه ۳۱)؛

هدف از قبول مناصب دولتی در نظام جمهوری اسلامی و نظام اسلامی باید اجرای عدالت، فراهم کردن زمینه جامعه انسانی برای هدایت و تعالی انسان‌ها باشد (خامنه‌ای، ۱۳۷۹/۹/۲۵).

بنابراین، اصلاح الگوهای رفتاری کارگزاران دولت اسلامی و تبعیت آنان از قواعد و آموزه‌های دینی در شیوه مدیریتی جامعه، نقش سازنده و مهمی در نهادینه شدن سبک زندگی اسلامی در جامعه دارد.

نتیجه گیری

از آنچه گذشت، روشن گردید که سبک زندگی، حالت و شیوه برخورد از نگرش‌ها، گرایش‌ها، ارزش‌ها، عادت‌ها، سلیقه‌ها و معیارهایی است که طرز تلقی فرد یا گروهی را می‌سازد و به رفتار او شکل خاصی می‌بخشد. در تفکر دینی، میان معنای زندگی و چگونگی سبک زندگی، رابطه عمیقی وجود دارد. زندگی انسان آنگاه مایه رشد مادی و معنوی خواهد بود که مبتنی بر آموزه‌های تعالی بخش دینی و تأمین‌کننده اهداف مقاصد انسانی باشد. در بیانات امام خامنه‌ای، مسأله سبک زندگی به دلیل تأثیرات عمیق فرهنگی آن، مورد توجه قرار گرفته و بر نقش محوری دین و معنویت در سبک زندگی مطلوب، تأکید شده است. ایشان سبک زندگی همراه با معنویت را مایه صلاح و فلاح جامعه اسلامی دانسته است و مهم‌ترین رسالت دولت اسلامی در این زمینه را نهادینه‌سازی سبک زندگی اسلامی در جامعه بر شمرده است. در این مقاله با استناد به فرمایشات رهبر معظم انقلاب، به مهم‌ترین الزامات ترویج سبک زندگی اسلامی اشاره شده است، اصلاح نگرش‌های عمومی در عرصه زندگی، توجه به هویت فرهنگی و تمدنی جامعه اسلامی، مقابله با الگوها و نمادهای فرهنگ مادی غرب و منش رفتاری حاکمان و کارگزاران، از مهم‌ترین الزامات دولت اسلامی در نهادینه‌سازی سبک زندگی شمرده شده است.

منابع و مأخذ

* قرآن کریم.

* نهج البلاغه.

۱. آجیلی، هادی و بیگی، مهدی، «کالبدشکافی سبک زندگی در جامعه سرمایه‌داری»، فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی، سال چهارم، ش ۱۳، ۱۳۹۲.
۲. اربلی، علی بن عیسی، کشف الغمة فی معرفة الأئمة، محقق/ مصحح: سیدهاشم رسولی محلاتی، ج ۲، تبریز: بنی هاشمی، ۱۳۸۱ق.
۳. انوری، حسن، فرهنگ بزرگ سخن، ج ۵، تهران: انتشارات سخن، چ ۲، ۱۳۸۲.
۴. خامنه‌ای، سیدعلی، بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۱۳۷۹/۹/۲۵.
۵. خامنه‌ای، سیدعلی، بیانات در دیدار با اساتید و دانشجویان دانشگاه‌های شیراز، ۱۳۸۷/۲/۱۴.
۶. خامنه‌ای، سیدعلی، بیانات در دیدار با جمعی از روحانیون، ۱۳۷۶/۱۰/۳.
۷. خامنه‌ای، سیدعلی، بیانات در دیدار با جوانان استان خراسان شمالی، ۱۳۹۱/۷/۲۳.
۸. خامنه‌ای، سیدعلی، بیانات در دیدار با دانشجویان کرمانشاه، ۱۳۹۰/۷/۲۴.
۹. خامنه‌ای، سیدعلی، بیانات در دیدار با رئیس جمهور و اعضای هیأت دولت، ۱۳۸۹/۶/۸.
۱۰. خامنه‌ای، سیدعلی، بیانات در دیدار با کارگزاران نظام، ۱۳۷۹/۹/۱۲.
۱۱. خامنه‌ای، سیدعلی، بیانات در دیدار با کارگزاران نظام، ۱۳۸۰/۹/۲۱.
۱۲. خامنه‌ای، سیدعلی، بیانات در دیدار با مردم گرمسار، ۱۳۸۵/۸/۲۱.
۱۳. خامنه‌ای، سیدعلی، بیانات در دیدار با مسؤولان نظام و سفرای کشورهای اسلامی، ۱۳۹۳/۳/۶.
۱۴. خامنه‌ای، سیدعلی، بیانات نوروزی، خطاب به ملت ایران، ۱۳۹۹/۱/۳.
۱۵. خامنه‌ای، سیدعلی، بیانیه گام دوم انقلاب، خطاب به ملت ایران، تهران: مؤسسه پژوهشی - فرهنگی انقلاب اسلامی، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲.
۱۶. خامنه‌ای، سیدعلی، پیام به مناسبت اولین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی علیه السلام، ۱۳۶۹/۳/۱۰.
۱۷. عالم، عبدالرحمان، بنیادهای علم سیاست، تهران: نشر نی، چ ۱۳، ۱۳۸۴.

۱۸. عمید زنجانی، عباسعلی، دانشنامه فقه سیاسی (مشمول بر واژگان فقهی و حقوق عمومی)، ج ۲، تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ، ۱۳۸۹.
۱۹. عمید، حسن، فرهنگ فارسی عمید، قطع جیبی، تهران: راه رشد، ۱۳۸۹.
۲۰. قوام، عبدالعلی، اصول سیاست خارجی و سیاست بین‌الملل، تهران: سمت، چ ۲، ۱۳۷۲.
۲۱. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی (ط - الإسلامية)، محقق/ مصحح: علی‌اکبر غفاری، ج ۸، تهران: دار الکتب الإسلامية، چ ۴، ۱۴۰۷ق.
۲۲. وینسنت، اندرو، نظریه‌های دولت، ترجمه حسین بشریه، تهران: نشر نی، ۱۳۷۶.